



## دیواری علیه مردم فلسطین

دولت نژاد پرست اسرائیل از ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۲ میلادی آغاز به ساختن دیواری در سرزمین های اشغالی کرده است و آن را دیوار حفاظتی یا امنیتی توصیف می کند، اما این دیوار به درستی از سوی تمامی مدافعان حقوق مسلم مردم فلسطین دیوار آپارتاید نام گرفته است.

دیوار آپارتاید ۸ متر ارتفاع دارد و در مرحله نخست به طول ۱۴۸ کیلومتر ساخته می شود و سرانجام ۶۵۰ کیلومتر درازا خواهد داشت. این دیوار که برای هر کیلو-مترش یک میلیون دلار هزینه در نظر گرفته شده با ضبط وسیع ترین سرزمین های فلسطینیان، پس از سال ۱۹۶۷، همراه خواهد بود و نیمی از مساحت کرانه غربی رود اردن را در بر خواهد گرفت. با ساختن این دیوار ۹۰ تا ۱۲۰ هزار فلسطینی باید خانه و کاشانه خود را رها کنند و حتی از فلسطین خارج شوند.

دیوار آپارتاید ۹۵۶ هکتار زمین را در بخش غربی خود از کرانه غربی رود اردن جدا خواهد کرد و پیچ و خم های آن نیز ۶۵/۵۰ هکتار دیگر را در اختیار خواهد گرفت و ۱۱۴ هکتار نیز در اثر ساخت دیوار از میان خواهد رفت. دیوار آپارتاید ۱۸ شهر و روستای فلسطینی را در بخش غربی خود قرار می دهد و ۱۹ نقطه دیگر در پیچ های آن محبوس خواهند شد. ساخت دیوار آپارتاید تاکنون ریشه کنی ۸۳۰۰۰ درخت عمدتاً زیتون و نابدی ۳۵۰۰۰ لوله آبیاری و نابدی ۱۱۴ هکتار زمین کشاورزی را در پی داشته است. ساختمان تانکونی دیوار آپارتاید به دولت اسرائیل این امکان را داده است تا ۳۱ چاه آب را در اختیار خود بگیرد که این موضوع فلسطینیان را از ۴ میلیون متر مکعب آب در سال محروم می کند. زندگی در پشت دیوار آپارتاید فلسطینیان را از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم

صفحه ۲

## جرقه پتروشیمی آیا حریق نفت را شعله ور خواهد ساخت؟

وزیر نفت، از جمله به این مسئله اشاره شده است که سهام سه پتروشیمی اراک، اصفهان و خارک از طریق بورس به فروش رسیده و پرسنل این سه پتروشیمی به بخش خصوصی منتقل شده اند و از این پس وزارت نفت در برابر آنان هیچگونه تعهدی ندارد. دو روز بعد از انتشار این نامه (چهارشنبه ۷ آبان) حدود ۸۰۰ تن از کارگران و کارکنان پتروشیمی اراک، در اعتراض به این مسئله، دست به اعتصاب و تجمع زدند و ضمن ابراز مخالفت شدید با این تصمیم، خواستار لغو آن شدند. اعتراض کنندگان در عین حال تهدید کردند چنانچه به خواست آنان رسیدگی نشود، جاده اصلی کنار این پتروشیمی را مسدود

صفحه ۳

صدای اعتراض و اعتصاب اخیر کارگران و کارکنان پتروشیمی که از روز دوشنبه پنجم آبان ماه آغاز شده و هنوز ادامه دارد، به رغم اراده و تلاش حاکمان در خفه کردن این صدا و یا گم ساختن آن در میان انبوهی از موضوعات جنجال برانگیز، در فضای سیاسی جامعه پیچیده است و بسیاری از چشم ها و نگاه ها را متوجه خود ساخته است. نامه محمد رضا نعمت زاده رئیس سازمان پتروشیمی به زنگنه وزیر نفت، مبنی بر انتقال کلیه کارکنان سه شرکت پتروشیمی اراک، اصفهان و خارک به بخش خصوصی که روز دوشنبه ۵ آبان وسیعاً در میان کارگران پتروشیمی اراک پخش شد، اعتراضات وسیعی را در میان کارگران و کارکنان برانگیخت. در نامه رئیس پتروشیمی به

## فوروم اجتماعی اروپا و چشم اندازهای آن

روز ۱۵ سپتامبر بیش از ۱۰۰ هزار نفر در خیابان های پاریس در تظاهرات پایانی دومین گردهم آبی فوروم اجتماعی اروپا شرکت کردند. در این تظاهرات اتحادیه های کارگری، سازمان ها و احزاب سیاسی، سازمان ها و گروه های زنان، طرفداران محیط زیست از ۴۵ کشور و همچنین دهها هزارتن از نیروهای مترقی فرانسوی حضور داشتند. در صفوف تظاهر کنندگان پلاکارد هایی که شعارهای زیر بر آن ها درج شده بود، به چشم می خورد: خروج نیروهای اشغالگر از عراق، به اشغال فلسطین پایان دهید، نه به لیبرالیسم در اروپا، آلترا گلوبالیست ها مقدم پناهندگان را گرامی می دارند، جهانی دیگر با مشارکت زنان ممکن است، آمریکا تجاوزگر گلوبالیست ... و

تظاهرات فوق، اختتامیه گردهم آبی ۴ روزه فوروم بود که طی روزهای ۱۲ الی ۱۵ سپتامبر در منطقه پاریس و با شرکت قریب به ۶۰ هزار نفر برگزار شد. در این روزها، صدها جلسه بحث و گفتگو، سمینار، مراسم هنری و فرهنگی برپا گردید. فوروم اجتماعی اروپا که اولین اجلاس آن نوامبر

صفحه ۵

### در این شماره

۴ مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۳۳)

۲ اخباری از ایران

پیام همبستگی سازمان فدائیان (اقلیت)

۶ به کارگران اعتصابی فورد در بلژیک

مرثیه خوانی ((جبهه مشارکت ایران اسلامی))

## دیواری علیه مردم فلسطین

از صفحه ۱

## اخباری از ایران

## \* تجمع اعتراضی کارگران در یزد

جمع زیادی از کارگران واحدهای تولیدی استان یزد روز سه شنبه ۱۳ آبان، در برابر ساختمان مرکزی سازمان تامین اجتماعی و نیز در برابر اداره کل کار و امور اجتماعی، دست به تجمع زدند. این کارگران نسبت به عملکرد کمیته های تشخیص مشاغل سخت و زیان آور اعتراض نموده و خواستار پایان بلاتکلیفی خود شدند.

## \* اعتراض به پائین بودن دستمزدها

روز پنجشنبه هشتم آبان، نزدیک به یکصد تن از کارگران کارخانه قند یاسوج، در اعتراض به پائین بودن دستمزدها و عدم پرداخت حقوق و مزایای خویش دست به تجمع اعتراضی زدند. از جمله دلایل دیگر اعتراض کارگران، سوء مدیریت، تبعیض و ایجاد نفاق در بین کارگران بوده است. در برابر این اقدام اعتراضی کارگران، مدیر عامل کارخانه نزدیک به ۱۶۰ نفر از هم طایفه های خود را که به سلاح سرد مجهز بودند، به کارخانه آورد تا با ترساندن و ضرب و شتم کارگران، با آنان مقابله کند. کارگران گفته اند تا به خواست های آنان پاسخ داده نشود و مدیریت کارخانه تغییر نکند به اعتراض و تحصن ادامه خواهند داد.

## \* تجمع و تحصن کارگران نختاب تبریز

روز چهارشنبه ۱۴ آبان نزدیک به هفتاد تن از کارگران شرکت نختاب فیروزان تبریز، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و سایر مطالبات خود، در برابر کارخانه دست به تجمع زدند. کارگران باشکستن شیشه های نگهبانی کارخانه و آتش زدن لاستیک، مراتب اعتراض خویش را اعلام نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. بهرغم حضور نیروهای انتظامی و سرکوب -گر، حدود ۲۰ تن از کارگران، شب را نیز در محل کارخانه ماندند و دست به تحصن زدند.

## \* تجمع کارگران در کاشان

بیش از ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه های ریسندگی و بافندگی کاشان ( شماره ۱ و ۲ و ۳) صبح روز چهارشنبه ۱۴ آبان در برابر کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت حقوق های معوقه خود شدند. کارگران پلاکاردهایی نیز با خود همراه داشتند که بر روی آن نوشته شده بود " ما کارگران خواستار دریافت حقوق ۹ ماهه و بن های ۸۰ و ۸۱ هستیم" نیروهای انتظامی و سرکوبگر، پس از دو ساعت کارگران را متفرق ساختند.



و سیاسی را نیز که امضاء کرده بود با ساختن دیوار آپارتاید لگد مال می کند. دولت اسرائیل تنها کنوانسیون ها و قرارداد -ها و قطعنامه های بین المللی رازیرپانمی گذارد. سیاست توسعه طلبی صهیونیستی این دولت موجب شده که حتا طرح های گوناگون به اصطلاح صلح را نیز ندیده بگیرد و آن ها را به هیچ بگیرد. البته دلایل شکست طرح های اسلو و " نقشه راه " نه فقط به این دلیل بوده که آن ها را بدون دخالت مردم ستم دیده و طبقه کارگر اسرائیل و فلسطین نوشتند و گاهی با عکس های یادگاری و فشردن دست ها همراه کردند، بلکه علت العلل شکست این طرح ها و نقشه ها را باید همواره در یاعی -گری دولت صهیونیستی اسرائیل بررسی کرد. یاعی گری دولتی که بر اساس یک رشته دگم های مذهبی و یک ایدئولوژی بورژوایی و نژاد پرستانه بنا شده است. جنبش ارتجاعی و ناسیونالیستی بورژوازی یهودی در سده نوزده میلادی صهیونیسم را بنیان گذاری کرد تا تمام یهودیان را در نقطه ای متمرکز کند. صهیونیسم ایدئولوژی رسمی دولت اسرائیل است و همواره با جنبش طبقه کارگر و کمونیسم در نزاع بوده و بر انحصارات سرمایه داری تکیه کرده است. دولت نژاد پرست اسرائیل اکنون با تانید دوجناح اصلی اش (حزب لیکود و حزب کارگر) و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و دیگر قدرت های جهانی به ساختن یک دیوارننگین اقدام می کند تا باز هم بیشتر مردم ستم دیده فلسطین را دربند کشد. اینک علاوه بر اعتراضات بین المللی که علیه دیوار آپارتاید به راه افتاده است، بیش از همیشه این وظیفه بر عهده ی طبقه ی کارگر اسرائیل و فلسطین است که متحدانه به پا خیزند و با عقب راندن و سرنگون نمودن ارتجاع صهیونیستی و اسلامی دست به ایجاد یک دولت واحد کارگری بزنند و به نزدیک به پنج دهه کشتار، حق کشی و ستم پایان دهند. دخالت مستقیم طبقه کارگر تمام دیوارهای واقعی و مجازی ظلم و ستم و حق کشی را فرو خواهد پاشاند.

می کند و آنان را عملادر بزرگترین زندان بدون سقف جهان قرار می دهد. در مرحله کنونی ساخت دیوار آپارتاید ۱۰٪ مردم ساکن کرانه غربی رود اردن از هستی ساقط شده اند. تنها در روستای زیتا که در ۱۰ کیلومتری شهر طولکرم قرار دارد ۳۰ درصد زمین ها در اثر ساختن دیوار آپارتایداز بین رفته است. ۵۰۰ خانواده این روستا وادار شدند تا برای ادامه زندگی از سازمان های بشر دوست تقاضای نان و آب کنند. در همین منطقه و در فاصله ۲۲ کیلومتری طولکرم روستای دیگری وجود دارد به نام قفین. دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۷ نزدیک به ۷۰٪ زمین های این روستا را اشغال کرد و اکنون برای ساختن دیوارننگینش ۶۰٪ زمین های باقی مانده را نیز گرفته است. در این روستا ۱۰۰۰۰ درخت زیتون را ریشه کن کردند و پس از ساختن دیوار ۱۲۰۰۰۰ درخت به تصاحب دولت نژاد پرست اسرائیل درآمد. دیوار آپارتاید تنها دیواری به طول ۶۵۰ کیلومتر و ارتفاع ۸ متر خواهد بود. در یک سوی دیوار و در هر ۳۰۰ متر، برج های مراقبت و دوربین های کنترل وجود خواهند داشت که در آنها سربازان و دوربین های ماورا قرمز اسرائیلی حرکت کم ترین جنبیده ای را زیر نظر خواهند گرفت.

در آن سوی دیوار نیز جاده ای ساخته می شود که گشتی های اسرائیلی در آن حرکت خواهند کرد و در بخش پائینی جاده خندقی به ژرفای ۲ مترکنده خواهد شد و در بالای خندق یک ردیف سیم خاردار کشیده خواهد شد.

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در ماه مه ۲۰۰۳ به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعلام کرد که دولت اسرائیل با ساختن دیوار آپارتاید مواد ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را زیر پا گذاشته است، کنوانسیون که به امضای این دولت اشغالگر هم رسیده است. دولت اسرائیل هم چنین مواد ۱ و ۱۷ و ۱۹ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی

## جرقه پتروشیمی آیا حریق نفت را شعله ور خواهد ساخت؟

خواهند ساخت و به اعتراضات خویش در اشکال دیگری نیز ادامه خواهند داد. به دنبال اعتصاب کارگران پتروشیمی اراک، کارگران پتروشیمی اصفهان و خارک نیز در اعتراض به تصمیم دولت و در هم بستگی با کارگران پتروشیمی اراک، از صبح روز یکشنبه دهم آبان دست به اعتصاب زدند و به همکاری خود پیوستند. کارگران پترو شیمی اصفهان به رئیس سازمان پتروشیمی ۴۸ ساعت مهلت دادند که به خواست کارگران پتروشیمی ها پاسخ مثبت بدهد.

کارگران با استناد به قرارداد خویش با وزارت نفت و این که استخدامی وزارت نفت هستند، می گویند: ما ماشین نیستیم که همراه کارخانه فروخته شویم، وقویا خواستار آنند که زیر پوشش وزارت نفت باشند. کارگران در عین حال خواستار آزادی انتقال کارگران از شرکت های واگذار شده به هریک از شرکتهای تابعه وزارت نفت می باشند. کارگران پتروشیمی که نتایج فاجعه بار خصوصی سازی در سایر بخش ها را به چشم دیده اند و ناظر بیکار سازی و اخراج های وسیع بوده اند، شدیداً با تصمیم دولت به مخالفت برخاسته اند و اکیدا خواستار لغو آنند.

برای کارگران پترو شیمی، مبارزه علیه خصوصی سازی صرف نظر از مبارزه برای حفظ امکانات و دستاوردهای خود در این بخش، در وهله نخست مبارزه برای حفظ اشتغال، مبارزه برای ضمانت شغلی، مبارزه علیه باز خرید های اجباری و مبارزه به منظور پیشگیری از بیکار سازی های وسیع در این بخش است. اتحاد کارگران و آگاهی بالنسبه بالای کارگران و کارکنان این بخش که انعکاس آن را، هم در اتحاد و هماهنگی کارگران هر یک از این پترو شیمی ها، و هم در اتحاد وهم آهنگی اعتصاب در هر سه واحد یاد شده می توان دید، هم اکنون دولت را با معضل بزرگی روبرو ساخته است. دولت که به شدت از اقدام متحدانه کارگران پتروشیمی به وحشت افتاده است، برای خاموش ساختن این اعتراضات و جلوگیری از گسترش آن تمام تلاش خود را به کار بسته است.

تلاش مقامات و مسئولین دولتی و نمایندگان وزارت اطلاعات در خارک برای خواباندن اعتراض، انتشار نامه رئیس سازمان امور اداری پتروشیمی و معاون نعمت زاده که در آن برحق انتقال، باز خرید شدن و ادامه خدمت کارکنان پتروشیمی های خصوصی سازی شده در وزارت نفت تاکید شده است، و کوشش ها، تهدید ها و ترفندهای دیگری از این قبیل، هیچکدام کار ساز نبوده است.

کارگران و کارکنان پتروشیمی ها، به تجمعات اعتراضی خود ادامه داده و لغو صریح مصوبه انتقال کارکنان پتروشیمی از وزارت نفت به صاحبان جدید این شرکت را، از سوی وزیر نفت خواستار شده اند. در حالی که گفته می شود وزیر نفت یک مهلت ۴ ماهه برای پتروشیمی های خصوصی شده قائل شده و دولت، وزیر کشور را برای متوقف ساختن اعتراضات کارکنان پترو شیمی واسطه کرده است، کارگران پتروشیمی اراک با انتخاب یک هیئت ۲۰ نفره، مصممانه مطالبات خویش را پی گیری می کنند و کارگران پتروشیمی خارک هشدار داده اند چنانچه به مطالبات کارگران پترو شیمی ها رسیدگی نشود، از روز دوشنبه ۲۶ آبان به اعتراضات خویش در شکل کاهش سطح تولید، ادامه خواهند داد. به هر رو این تلاش ها و تهدید ها نه فقط اعتراضات کارگران و کارکنان پتروشیمی های اراک، اصفهان و خارک را خاموش نساخته است، بلکه این اعتراضات به کارکنان و کارگران سایر واحدهای زیر مجموعه وزارت نفت که به بخش خصوصی واگذار شده یا در حال واگذاری اند نیز تسری یافته است. هم اکنون صدای اعتراض کارگران و کارکنان شرکت خدمات اکتشاف نفت که مدت ۴ سال است با آنان، گاه به عنوان کارکنان منتقل شده به بخش خصوصی و منفک از شرکت نفت و گاه به عنوان زیرمجموعه شرکت نفت رفتار شده، رساتر از گذشته، بلند شده است. کارگران و کارکنان این شرکت، ضمن اعتراض به این نحوه برخورد، خواهان آن شده اند که تحت هر شرایطی زیر پوشش شرکت ملی نفت ایران بمانند و در نامه ای به صراحت گفته اند که هرگز انتقال از شرکت نفت به شرکت های تابعه و خصوصی را نمی پذیرند. در عین حال آخرین خبرها حاکی از آن است که ۶۰۰ نفر پرسنل پتروشیمی آبادان نیز با برپایی یک اجتماع اعتراضی در روز ۲۱ آبان، به صف چند هزار نفره اعتراض کنندگان پیوسته اند و با انتخاب یک هیئت نمایندگی ۱۱ نفره و هماهنگ ساختن مبارزات خود با کارگران سایر پتروشیمی ها، مطالبات خود که مطالبات مشترک کارگران و کارکنان پتروشیمی های خصوصی سازی شده است را دنبال می کنند.

### معضل خصوصی سازی در صنعت نفت

خصوصی سازی یکی از محورهای سیاست "تعدیل اقتصادی" است که از زمان رفسنجانی و مطابق رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در حال اجراست که با روی کار آمدن خاتمی، با پیگیری بیشتری تعقیب

شده است. شاه بیت برنامه سوم توسعه اقتصادی دولت خاتمی، همین خصوصی سازی و واگذاری بخش های دولتی به بخش خصوصی بوده است. اگر در آغاز یعنی در زمان رفسنجانی هنوز ملاحظه می شد و به صراحت از واگذاری بخش های کلیدی صحبت نمی شد، اما بعداً همه پرده ها کنار زده شد و دولت دیگر نیازی به حفظ ظاهر و تظاهر به حجب و حیا، ندیده است.

مسئله خصوصی سازی ها و فعالیت سرمایه های خارجی، نه فقط بخش هایی مثل بهداشت و درمان، بانک داری، بیمه، پست و تلفن، دخانیات، قند و شکر و غیره را در بر گرفت، بلکه به بخش هایی مثل استخراج نفت و گاز، پالایش، پخش و حمل و نقل نفت و فرآورده های نفتی نیز تعمیم یافت. تا آنجا که به شرکت های وابسته به صنعت نفت به ویژه پتروشیمی ها مربوط می شود، طبق تصمیمات هیئت عالی واگذاری سهام، تنها در نیمه اول سال ۸۱، چهارده شرکت وابسته به صنعت نفت، می بایستی به بخش خصوصی واگذار می شده است که پتروشیمی تبریز، پتروشیمی بندر امام، پتروشیمی خراسان، پتروشیمی رازی، پتروشیمی شیراز، پترو شیمی اراک، پتروشیمی اصفهان، پتروشیمی خارک و نیز شرکت عملیات غیر صنعتی و خدمات پتروشیمی، حمل و نقل و ترخیص کالا، شرکت مهندسی و ساختمان نفت و ... از جمله این شرکتها بوده اند. علاوه بر این در اواسط سال گذشته، دولت برای تامین ۱۰ هزار میلیارد ریال کسری بودجه خود، تصمیم گرفت از طریق فروش زیر مجموعه های چند وزارتخانه مثل وزارت خانه راه و ترابری (شامل شرکت های توسعه راه ایران، هوا - پیمایی و راه آهن) وزارت نیرو (شامل شرکت های ساخت و تهیه کالاهای آب و برق) وزارت صنایع (شامل شرکت های زیر مجموعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع، سازمان توسعه و نوسازی معادن) و وزارت نفت (شامل شرکت های زیر مجموعه این وزارت) این کسری بودجه را تامین کند و گفتنی است که ۴ هزار میلیارد ریال از رقم ۱۰ هزار میلیارد ریالی کسری بودجه باید از محل فروش زیرمجموعه های وزارت نفت تامین می شد!

این سیاست کماکان ادامه دارد. گفته شده است در سال جاری نیز ۹۵۰ میلیارد تومان سهام شرکت های دولتی باید واگذار شود که تاکنون ۲۱۰ میلیارد تومان سهم واگذار شده است. به هر رو این نکته کاملاً روشن است که یکی از محور های مهم سیاست های اقتصادی جمهوری اسلامی، سیاست خصوصی سازی و به حراج گذاشتن دسترنج کارگران و ثروت های ملی و عمومی است. دولت در واقعیت امر نمی خواهد مسئولیت کارگران و کارکنان واحدها و موسسات دولتی را بپذیرد و در برابر آنها تعهدی داشته باشد و می

## اخباری از ایران

### \* تحصن اعتراضی کارگران در برابر اداره کار

دهها تن از کارگران واحدهای صنعتی بندر "امام خمینی" باردیگر در برابر ساختمان اداره کار دست به تجمع زدند و نسبت به عملکرد این اداره به نفع پیمانکاران اعتراض نموده و خواستار برکناری رئیس این اداره شدند. کارگران هشدار دادند چنان چه این رویه ادامه پیدا کند، به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد. به گزارش ایلنا، این سومین تجمع کارگران ظرف یک ماه گذشته بود و پس از آن که بخشدار برای رسیدگی به خواست کارگران قول مساعد داد، کارگران به تجمع اعتراضی خود پایان دادند.

### \* تجمع اعتراضی کارگران شرکت گاز

صبح روز شنبه ۲۴ آبان، شمار زیادی از کارگران و لوله کشان شرکت گاز قم، در برابر این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. نماینده تجمع کنندگان به خبرنگار ایسنا گفت: علت این تجمع اعتراض به شیوه عملکرد سازمان نظام مهندسی و همین طور تغییر مداوم قوانین و مقررات این سازمان است.

### \* تحصن پرستاران اراک

بیش از ۱۵۰ تن از پرستاران بیمارستان ولی عصر اراک، در اعتراض به مشکلات مربوط به فشار کار و کمبود نیروهای انسانی، نداشتن بیمه درمانی و امنیت جانی، در محوطه بیمارستان به یک تحصن سه روزه دست زدند. اعتراض کنندگان هشدار دادند چنان چه به خواست های آنان رسیدگی نشود، تجمعات اعتراضی در برابر استان داری و جلوی دانشگاه علوم پزشکی برگزار خواهند کرد.

### \* اعتصاب معلمان در میاندوآب

دبیران دبیرستان شهرستان میاندوآب، در اعتراض به وضعیت حقوقی و معیشتی خود از روز یکشنبه ۱۸ آبان دست به اعتصاب زدند. روز دوم اعتصاب، فرماندار و مدیریت آموزش و پرورش به همراه حراست این اداره، در چند دبیرستان حاضر شدند و سعی کردند از ادامه اعتصاب و تحصن دبیران جلوگیری کنند که موفق نشدند.

### \* نامه اعتراضی

اتحادیه شرکت های تعاونی ماهیگیران گیلکای استان مازندران در نامه ای به وزیر کشور، خواستار پرداخت مبلغ ۴/۵ میلیارد

تومان خسارت حاصله از ناحیه کاهش صید شدند. در حالی که مجوز پرداخت این مبلغ نیز صادر شده است، اما بیش از ۸ ماه است که پرداخت آن معوق مانده است. صیادان در نامه خود، همچنین خواستار صدور مجوز تجمع و راهپیمایی برای روز ۱۸/۸/۸۲ شده اند.

### \* نامه اعتراضی

کارکنان خدمات و پشتیبانی صنعت نفت، در اعتراض به تعطیلی فروشگاههای زنجیره ای صنعت نفت، نامه اعتراض آمیزی به خاتمی نوشته و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شده اند.

### \* اعتراضات دانشجویی

- دانشجویان صنعت نفت آبادان در اعتراض به کمبودهای آموزش و رفاهی، دست به تحصن زدند.

- روز ۱۳ آبان دانشجویان دوره شبانه دانشگاه اصفهان، در اعتراض به کمبودها و نارسایی های رفاهی و آموزشی و در اعتراض به افزایش بیش از حد میزان شهریه ثبت نام، در برابر ساختمان معاونت آموزشی دست به تجمع اعتراضی زدند. لازم به ذکر است، میزان شهریه نسبت به سال گذشته سه برابر شده است!

- در همین روز ۱۳ آبان، بیش از ۴۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه قم، در اعتراض به پائین بودن کیفیت غذا و سرویس دهی و سایر نارسایی ها و کمبودهای آموزشی و رفاهی دست به اعتصاب زدند و در محوطه سلف سرویس دانشگاه تجمع کردند.

### \* چند خبر کوتاه

- شرکت تراز ایران، شکوه کام و کارخانه پارس چرخ درفروین تعطیل و بیش از ۱۰۰ کارگر کار خود را از دست دادند.

- رئیس کارخانه صنعت و معدن در زمینه ناچیز بودن دستمزدهای کارگری چنین اعتراف کرد که " در وضعیت فعلی سه برابر حقوق و دستمزدی که به حقوق بگیران و مستمری بگیران پرداخت می شود، می تواند زندگی آنها را تامین کند که البته یک سطح ایده آل نیست!"

- به دنبال تعطیلی کارخانه شهرضای جدید در استان اصفهان، ۱۷۰ کارگر دیگر بلاتکلیف و بیکار شدند.

- روز دهم آبان، رانندگان خطوط تاکسی رانی نظر آباد، هشتگرد کرج و آبیک، برای چندمین بار دست از کار کشیدند و در برابر فرمانداری دست به تجمع زدند.

## مبارزه طبقاتی

### و رهایی زنان (۳۲)

انتشارنشریه "زن کارگر" در روسیه، موضوع قسمت قبلی از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زن بود. در این شماره، مبحث زیر ترجمه و درج می گردد:

### علیه جدائی طلبی

Anna Babroff مورخ منتقد بلشویسم، از این که لنین همواره اصرار داشت که فعالیت های زنان تحت رهبری حزب باشد، گلایه می کند. وی می نویسد:

" زنان بلشویکی که Rabotnista را منتشر می کردند، در ارتباط نزدیک با لنین بودند و گرچه هر دو هیئت تحریریه داخل و خارج روسیه تماما از زنان نویسنده سوسیال دمکرات تشکیل شده بودند، لنین در صورت بروز مشکل، حق وتو داشت."

به علاوه او می گوید: حق رای برابر، برای کلیه اعضای تحریریه در داخل و خارج روسیه، وسیله ای بود که کنترل سیاست اکثریت تحریریه توسط لنین و افرادی که نزدیک ترین تماس ها را با او داشتند، تامین کند. مثال آشکار آن، در کنگره بین المللی زنان در برن در مارس ۱۹۱۵ رخ داد: "لنین در رستورانی در نزدیکی محلی که جلسه کنگره برگزار می شد، نشسته بود و چای می نوشید. . . . زنان بلشویک که تحت رهبری لنین فعالیت می کردند، قطعنامه ای را ارائه دادند که در آن قطع فوری رابطه سازمانی با اکثر احزاب موجود سوسیالیست و تشکیل یک انترناسیونال جدید خواسته شده بود. به رغم مخالفت چشمگیر سایر نمایندگان، بلشویک ها از پس گرفتن قطعنامه خودداری کردند. اما نظر به این که در آن لحظه نشان دادن اتحاد بین المللی سوسیالیست ها حائز اهمیت جدی بود، سرانجام کلارا زتکین، در اطاقی جداگانه با زنان روسی و لنین به مذاکره پرداخت. در اینجا بود که لنین سرانجام با سازش موافقت کرد." (آنا بالابانوف - زندگی من به عنوان یک شورشی - ۱۹۷۳ صفحات ۳-۱۳۲)

"این نمونه دیگری است از مقاومت بلشویکها در برابر سازمانیابی زنان کارگر در گردهم آیی های زن." (همانجا - صفحات ۵-۵۶۴) متاسفانه Anna Babroff همچون بسیاری از غیر مارکسیست ها، دلایل مربوط به نقش حزب سوسیالیست انقلابی و "سانترالیسم دمکراتیک" را بدان گونه که توسط لنین مطرح می شد، درک نمی کند. به گفته مارکس، طبقه کارگر، موضوع تاریخ است و بنابراین در مبارزه برای رهایی اش، باید برای رهایی تمام بشریت، یعنی همه آنها، که تحت ستم اند، مبارزه کند. به همین علت، هیچ امتیازی نمی توان به ایده های متداول بورژوازی که کارگران را بر اساس نژاد و جنسیت و ملیت منقسم می سازد، داد. این خصوصا در مورد حزبی است که نقش اش رهبری طبقه کارگر برای کسب قدرت است.



## از صفحه ۱ فوروم اجتماعی اروپا و چشم اندازهای آن



ناممکن است. آنچه طی دو سال گذشته مورد بحث بوده، نزدیکی و اتحاد بین نیروهای همسوست. روند وقایع در جهت تحقق این امرند. در واقع هدف از ایجاد چنین فورومی از بدو امر، تسریع همسویی جریانات و سازمان هایی است که در کشورهای مختلف اروپا در جنبش های کارگری، زنان، محیط زیست و... فعالند. ناهمگونی در شرایط اقتصادی سیاسی در اروپا و خصوصا وجود تفاوت های آشکار در شرق و غرب اروپا، موقعیت های متفاوتی را پیش روی جنبش ها در این کشورها قرار می دهد. از همین رو تحلیل و بررسی این ناهمگونی ها و چگونگی سامان دادن به مبارزه ای مشترک با اذعان به این تفاوت ها است. این مباحث و غلبه بر معضلات

موجود خصوصا از سوی نیروهای رادیکال چپ طی دو سال گذشته در جلسات کمیته ۲۰۰ نفره هماهنگی فوروم اجتماعی اروپا مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. "فرانک سلاگر" یکی از اعضای این کمیته است. وی در مورد چشم اندازهای فوروم اجتماعی اروپا می گوید: "در کلیه زمینه ها و قلمرو های مبارزاتی در چارچوب اروپا ما با دو دیدگاه مواجه ایم. دیدگاه اول معتقد است که اتحادیه اروپا، آلترناتیوی است در مقابل آمریکا لذا نباید با طرح خواسته های افراطی، اتحادیه اروپا را مجبور به گرایش به طرف سیاست های اقتصادی - سیاسی آمریکا کنیم. بلکه باید به تدریج و مرحله به مرحله از این امر مانع شویم. این دیدگاه به طور مثال در مقابل یکی از مباحث اساسی اتحادیه اروپا، یعنی قانون اساسی آن، تنها به انجام فرآیند برای پذیرش یا عدم پذیرش آن تاکید می کند. دیدگاه دوم، نئولیبرالیسم را مرحله ای از ساختار اقتصادی - سیاسی اروپا ارزیابی می کند و آن را ناگزیر می داند. لذا راه مقابله با آن را مقابله ای ساختاری و درهم شکستن آن می داند. این دیدگاه معتقد است، ساختار فعلی خواه ناخواه به درگیری های بیشتر اجتماعی و بحران های عظیم تر می انجامد.

این دو دیدگاه خود را در کلیه اجزاء نیرو - های تشکیل دهنده فوروم نمایان می سازند خواه در اتحادیه های کارگری باشد، خواه در جنبش زنان باشد خواه در بخش مربوط به سیاست های خارجی اروپا. طی پروسه ای این دو دید، روشن تر خود را نشان می دهند و شاید هم در مقابل هم قرار گیرند اما در مرحله فعلی می توان گفت فوروم اجتماعی اروپا در وضعیت "ژلاتینی" قرار دارد که این نیروها را به رغم تفاوت نظری بعضا عمیق در کنار هم قرار می دهد. پیشبرد سیاست های اقتصادی اتحادیه اروپا، بر وضعیت فوروم هم تاثیر خواهد گذاشت و قطعا ما شاهد پلاریزاسیون در فوروم خواهیم بود. امری که از ابتدا نیز به آن اذعان داشتیم. زیرا فوروم اروپا به عنوان کاتالیزوری برای

به برگزاری فرآیند اکتفا می کند و شهر - وندان اروپا را به فرآیند فرا می خواند. دیگری مفاد قانون اساسی را به نقد می کشد و خواهان طرح آلترناتیوی برای طرح فعلی است. دیدگاه اول در نظر نمی گیرد که حتا شهروندان اروپا رای منفی به طرح فعلی قانون اساسی دهند، آلترناتیو دیگری نیست که جایگزین گردد و لذا پروسه تصمیم گیری ها رجعتی است به همان سیستم غیردمکراتیک سابق... به هر رو با وجود این که ما با دیدگاه ها و نظرات متفاوت مواجه ایم، اما برای ما باوریم همپای نزدیکی های سیاسی و نظری، ما باید به گسترش همبستگی در میان نیروهای اپوزیسیون دامن بزنیم. خصوصا که برخی اتحادیه های کارگری با انجماد دستمزدها و کاهش خدمات رفاهی و... توافق کرده و عملا به سیاست های نئولیبرالی همگام شده اند. ما این جا با اعضای اتحادیه هایی سروکار داریم که با این تصمیمات مخالفند. اینها نیروی بالقوه فوروم هستند. ما با جوانانی سروکار داریم که گرچه در دو اجلاس اخیر نظاره گر بودند اما باید به بازیگر تبدیل شوند. این ها همه وظایفی است که پیش روی فوروم است."

وجود این دو دیدگاه نیز در مباحث جاری در طول اجلاس فوروم مشهود بود. یکی از صحنه های بروز این تفاوت، مسئله زنان بود. مسئله زنان در این اجلاس مورد توجه فراوان بود. امتناع اجلاس با برگزاری مجمع عمومی زنان بود. در روز ۱۲ نوامبر بیش از دو هزار زن از ۱۳۰ سازمان و گروه زنان از اقصا نقاط اروپا در مراسم گشایش شرکت داشتند. شعارمحموری "اروپایی دیگر بدون مشارکت زنان متصور نیست" بود. طی مباحث متعدد، وضعیت حساس زنان در اروپا در حیطه اشتغال، بیکاری، بیمه بیکاری، خشونت، قوانین و... ترسیم گردید. اما در بخش مربوط به ارائه راه حل ها، دیدگاه ها به دو بخش تقسیم می شوند. بخشی که خواهان احیاء فمینیسم در اروپا بودند،

دامن زدن و تسریع این تمایزات بود. در غیر این صورت جنبش مقاومت علیه نئولیبرالیسم با تاخیر فراوان وارد میدان می شد. به طور مثال موضع تدوین قانون اساسی اتحادیه اروپا را در نظر بگیرید. اساس تشکیل اتحادیه اروپا غیردمکراتیک بود و اساسا قانون اساسی تاکنون وجود نداشته است. آن چه مبنا قرار گرفته بود، قراردادهای رم (۱۹۸۵) و نیس (۲۰۰۱) بودند که نقشی برای نمایندگان و برگزیدگان شهروندان اروپایی در مجالس و پارلمان های محلی قائل نبودند. به لحاظ اقتصادی پایه اتحادیه اروپا بر همان سیاست های بازار گذارده شده و روندی که ما شاهد هستیم در واقع در سال ۹۲ بنا نهاده شده بود. از همین روست که ما طی سال های گذشته در سراسر اروپا پروسه خصوصی سازی در برق، مخابرات، پست، حمل و نقل عمومی را عملا از سر گذرانده ایم. ورود پول مشترک اروپا، گام بعدی این پروسه بود و با تشکیل بانک مرکزی اروپا، دست نمایندگان محلی شهروندان اروپا در سیاست های اقتصادی عملا کوتاه شد. اما الان ما با بحث تدوین یک قانون اساسی روبرو هستیم که مفادش پیشاپیش مورد اجرا گذارده شده است. تفاوت این قانون اساسی در مقایسه با قراردادهای پیشین در این است که حداقل قانون اساسی موجود است اما مفاد آن، دولت های اروپا را درگیر سیاست گذاری های اتحادیه اروپا می کند و نه نمایندگان و برگزیدگان شهروندان را. این قانون اساسی که مبتکر و طراحش رئیس جمهور پیشین فرانسه والرئ ژیسکار دیتن است، از نزدیکی بیشتر با NATO دفاع می کند و در عمل تشدید میلیتاریسم در اروپا را به دنبال دارد. همچنین برنامه ریزی اقتصادی در اروپا طبق این طرح کاملا از حدود اختیارات دولت های ملی خارج و تابع منافع اتحادیه می گردد. حال در مقابل طرح این قانون اساسی در میان فوروم اجتماعی اروپا، دو دیدی که قبلا به آن اشاره کردیم چنین موضع می گیرند. یکی

## فوروم اجتماعی اروپا و . . .

از زنان شرق اروپا دعوت به عمل می‌آوردند که "با پیوستن به خواهران غربی خود، خون تازه در رگ های فمینیسم جاری گردانند." بخشی دیگر که از قضا نمایندگان سازمان‌ها و گروه‌های زنان از کشورهای شرق اروپا بودند ضمن تاکید بر وضعیت نابرابر زنان در این کشورها، مطرح می‌نمودند که اساسا در این کشورها به رغم وجود نابرابری‌ها، سخنی از فمینیسم نیست. آنها خود را فعالین جنبش زنان می‌دانند، چرا که در این کشورها تحولات اقتصادی- سیاسی دهه گذشته وضعیت زنان را به یک باره در کلیه عرصه های حقوقی، سیاسی، اقتصادی دگرگون ساخته است. لذا مبارزه آنها مبارزه - ای است در کلیه عرصه ها. به طور مثال نماینده ای از سازمان زنان در جمهوری چک اظهار داشت: تا قبل از تحولات سیاسی سال های اخیر، ما در ارگان‌های سیاسی و پارلمان و کابینه ۵۰ درصد نمایندگان زن داشتیم در حالی که در حال حاضر حتی یک زن هم در اعضای کابینه دیده نمی‌شود. درآمد زن و مرد که پیش از این برابر بود به یکباره تغییر کرد و میانگین درآمد زنان ۲۵ درصد کمتر از مردان است. نماینده دیگری از لیتوانی با اشاره به تغییرات مشابه گفت: در کشورهای ما، ما زنان با عوارض جوامع پست- کمونیست مواجه ایم. زنان شاغل مجبور به پرداخت ۴۰٪ از حقوق خود به عنوان مالیات هستند در حالی که مردان از پرداخت این در صد معافند چون قانونا نان‌آور خانواده محسوب می‌شوند و معاف می‌گردند." وی گفت خود و سازمانش در جهت مبارزه با این نابرابری‌ها تلاش می‌کند اما خود را فمینیست نمی‌داند. همچنین در یکی از مباحث سراسری که به موضع تاثیر و رابطه فمینیسم با جنبش‌های اجتماعی اختصاص داشت، ۸ سخنران از کشورهای مختلف مشارکت نازل زنان در جنبش‌های کارگری، ضد جنگ، محیط زیست و . . . اشاره کردند و بر ضرورت جذب و جلب حمایت زنان تاکید ورزیدند. در این بحث نیز یک دیدگاه بر اتحاد کلیه زنان تاکید داشت و دیدگاه دیگری بر روشن ساختن پیام و هدف و تعیین گستره مبارزاتی انگشت می‌گذارد. سخنرانی از آرژانتین با اشاره به تجربه تشکل های زنان در این کشور و بحران اقتصادی حاد و مزمن در این کشور اظهار کرد، زنان فعال عمدتا خود را فعال جنبش زنان می‌دانند و نه فمینیست. چراکه اولاً فمینیسم در آرژانتین توسط زنان تروتمند و سفید پوست نمایندگی می‌شود و نظری به منافع عمومی زنان ندارد. در دنباله این بحث، میگل باياناساگ، فیلسوف آرژانتینی، فمینیسم را به چالش طلبید. وی در سخنرانی خود، خواستار راه حل فمینیست‌ها برای نابرابری‌های موجود در جهان شد. او گفت: راه حل فمینیست‌ها چیست؟ در چه محدوده‌ای این راه حل‌ها قابل اجرا هستند؟ چرا فمینیست‌ها نتوانسته‌اند طیف عظیم‌زنانی را که در جهان در بی حقوقی محض به سر می‌برند به سوی خود جذب کنند؟

## پیام همبستگی سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران اعتصابی فورد در بلژیک

رفقای اعتصابی کارخانه فورد در Genk، با درودهای رفیقانه

ما از اعتصاب شما علیه اخراج ۳ هزار تن از همکارانتان حمایت کرده و همبستگی خود را با شما اعلام می‌داریم. با تشدید بحران اقتصادی، همواره کارگران در معرض اخراج، بی حقوقی و تبعیض قرار می‌گیرند. در سراسر جهان از آمریکای لاتین تا آفریقا و آسیا میلیون‌ها تن، در بیکاری و فقر به سر می‌برند. همکاران ایرانی شما نیز قربانی این سیاست‌های اقتصادی‌اند و با خطر اخراج مواجه‌اند. مبارزه شما و همبستگی‌تان قوت قلبی است برای یارانانتان در سراسر جهان.

به امید پیروزی تان  
درودهای گرم و همبستگی ما را بپذیرید  
سازمان فدائیان (اقلیت)  
۲۴ اکتبر ۲۰۰۳

### از صفحه ۴

## مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۳۲)

سانترالیسم دمکراتیک، اصلی است که حزب بر مبنای آن عمل می‌کند و به هیچ وجه آن گونه که Babroff ادعا می‌کند به دیکتاتوری رهبری مرکزی نیست. هنگامی که رهبری مرکزی، به نحو احسن حرکت می‌کند، در واقع تصمیماتی را اجرا می‌کند که برپایه همه جانبه‌ترین درک ممکن از مبارزه طبقه کارگر، به آن دست یافته‌است. لذا دمکراسی ضروری و حیاتی است تا این که حزب بتواند سیاست‌هایی را اتخاذ کند که پاسخگوی نیازهای طبقه کارگرند. اما مرکزیت نیز ضرورتی حیاتی است. چرا که طبقه کارگر پیوسته از طریق پیشداوری‌های بورژوازی با شکاف روبروست و تجربه و درک از مبارزه طبقاتی در میان بخش‌های مختلف کارگران تفاوت می‌کند. حزب باید بر این ناهمگونی و انقسام غلبه کند تا در مبارزه برای سوسیالیسم پیروز شود. سانترالیسم همچنین از آن رو ضروری است که مبارزه مبارزه ای است علیه دشمنی فوق العاده متمرکز یعنی دولت سرمایه داری.

هنگامی که رهبر حزب به شکلی دمکراتیک انتخاب شود، لازم است که کلیه بخش‌های حزب تابع آن باشند تا فعالیت‌هایشان انعکاس نیازهای مبارزه طبقه کارگر به مثابه تنی واحد باشد و نه اجزاء و تقسیمات جامعه بورژوازی که مادر آن زندگی می‌کنیم. بنابراین از آنجایی که لنین فعالیت سیاسی زنان را جدی می‌گرفت، عمیقاً در آن مداخله داشت.

\*- ادامه این مطلب، تحت عنوان "به سوی اکتبر" در شماره آینده درج می‌گردد.

. . . وی در ادامه گفت، شرایط فعلی پیوند عمیقی بین جنبش‌های گوناگون اجتماعی به وجود آورده است. این جنبش‌ها ضمن همبستگی و پیوند خود باید به این سؤال پاسخ دهند: انقلاب یا رفرم؟ تنها آن زمان است که می‌توانند شعارهای تبلیغی خود را روشن طرح‌کنند و آلترناتیوی نوین ارائه دهند. جنبش‌های زنان، کارگری، ضد جنگ و . . . باید خود را تعریف کنند تا قادر باشند میلیون‌ها نفر را که از گنداب سیاسی فعلی، از سیاست گریزان شده‌اند، به خود جلب کنند."

پایان بخش مباحث زنان راهپیمایی زنان در اولین روز اجلاس بود که با شرکت بیش از ۳ هزار نفر صورت گرفت. وجود دیدگاه‌های متفاوت در سندی که به نام "مانیفست زنان" تدوین شد خود رانشان می‌دهد. این تناقضات و معضلات تئوریک مانع از آن گشت که ایده "تشکیل فمینیسم اروپایی" مورد تصویب قرار گیرد.

از جمله موضوعات دیگر، تجاوز و جنگ طلبی و اشغال عراق بود که در جلسات متعدد بحث و بررسی شد. سیاست‌های اقتصادی در اروپا که خود را در خصوصی سازی‌ها متبلور می‌سازد از جمله دیگر مباحث بود. لازم به ذکر است که از جمله میهمانان این فوروم لیلخالد بود که در زمینه درگیری و اشغال فلسطین توسط اسرائیل سخنرانی نمود.

آلیدا گوارا، دختر چه گوارا نیز در جلسه بحث مربوط به رابطه اروپا و آمریکای لاتین با ارائه سخنرانی، حضور یافت. وجود و برگزاری جلسات فوق، محلی بود برای آشنایی گروه‌ها، سازمان‌ها، تشکل‌ها و نظرات با یکدیگر. همسویی و اتحاد پایدار مبارزاتی بین نیروهای شرکت کننده گام بعدی است. قطعاً بحران اقتصادی در اروپا، تاثیرات خود را در بلوک بندی‌های فوروام فوروم خواهد گذاشت. اولین اجلاس فوروام در ایتالیا، نقطه عزیمت خود را بر مبارزه علیه جنگ در عراق گذارده بود و دومین اجلاس بر مبارزه علیه حمله به خدمات اجتماعی. سومین اجلاس که قرار است سال آینده در لندن برگزار شود، محلی است برای پارلیزده شدن این فوروم و افزایش تاثیرگذاری آن.

## کمک‌های مالی رسیده

### سوئیس

مدائن	۱۰۰ فرانک
جلالی نائینی	۷۵ فرانک
به یاد افسانه اسدیان	۷۵ فرانک
حمید اشرف	۶۰ فرانک
نیما-آیدا	۵۰ فرانک

### کانادا - ونکوور

ستاره	۲۰ دلار کانادا
-------	----------------

خواهد آنها را از سر خود باز کند. صدها واحد تولیدی و شرکت دولتی اعم از این که از همان آغاز تعطیل شده باشند و یا پس از واگذاری به بخش خصوصی به تعطیلی کشانده شده باشند و یا کج دار و مریز به فعالیت ادامه دهند، عواقب بس وخیم و زیان باری را برای کارگران به همراه داشته اند که اخراج ها و بیکار سازی های وسیع، زدن حق و حقوق کارگران و تشدید فشار کار و استثمار کمترین نتایج آن بوده است. اگر این سیاست در سایر بخش ها آرام آرام عملی شده است و یا دارد می شود، این جادربخش شرکت نفت و زیر مجموعه آن، مسئله به همان سادگی نیست. این جا کفش شادان پور و فلان کارگاه کوچک نساجی یا تولید ماکارونی نیست که دولت بتواند روی این مسئله به همان سیاق بایستد و تا تعطیلی آن پیش برود. هر چند تا آنجا که به کارگران مربوط است در همین واحد - های تعطیل شده هم کارگران قهرمانانه علیه دولت و کارفرمایان مبارزه کرده اند و می کنند و مبارزات آنها برای دفاع از حق و حقوق خود تحسین برانگیز هم بوده است؛ با این حال روشن است که این بخش ها با پتروشیمی و نفت قابل قیاس نیست.

اولا کارگران بخش صنعت نفت، در زمره آگاه ترین و منسکول ترین بخش کارگرانند و بنا به موقعیت خود قادر به سازمان دهی اعتراضات و اعتصابات سراسری اند. تجربه مبارزات پیشین کارگران نفت و تجربه مبارزات متحدانه اخیر کارگران و کارکنان پتروشیمی ها، بیانگر این مسئله است. ثانيا همان طور که همه می دانند نقش و وزن صنعت نفت در کل اقتصاد ایران بسیار بالا و تعیین کننده است و همین مسئله جایگاه ویژه ای به کارگران نفت در موقعیت کل جنبش کارگری و طبقه کارگر در مصاف با نظام حاکم بخشیده است که جریان انقلاب ۵۷ نیز این نقش ویژه و جایگاه مهم را که از جمله در شعار "کارگر نفت ما - رهبر سرسخت ما" تجلی یافت، به ثبوت رسانده است.

بنابراین دولت نمی تواند سیاست های خود را در این بخش سهل و آسان و بدون درد سر پیش ببرد. با اعتصابات و اعتراضات اخیر کارگران و کارکنان پتروشیمی و احتمال گسترش این اعتصابات، جمهوری اسلامی با یک معضل جدی روبرو شده است. با این اعتصابات در عین حال فصل جدیدی در مبارزات کارگران ایران گشوده شده است. اهمیت اعتصابات کارگران و کارکنان پترو - شیمی تنها در این نیست که آنها علیه خصوصی سازی و یکی از محور های اصلی سیاست های اقتصادی رژیم، به پا خاسته اند و از موجودیت خود به عنوان انسان دفاع می کنند و به دولتی که جسارت کرده و به خود اجازه داده است با آنها چون ابزار و

فضا را تغییر داد و مردم را به رفع انسداد حقوقی دلگرم کرد. پس فقط این مانده است که خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی، شاهرودی، کروبی و دیگرانی از این فماش اراده کنند تا "عملکرد مدیریت کلان کشور فضا را تغییر" دهد. "رفع انسداد حقوقی" شود و مردم چنان دلگرم شوند که در شوی انتخاباتی پیش روی نیز سراسیمه به پای صندوق های رای گیری بشتابند! حالا اگر این کار را هم نکردند، اشکالی ندارد. هر چه باشد، هردو جناح، از یک سرشتیم و ما "به رغم همه موانع ایجاد شده در سر راه اصلاحات، همچنان مصمم به تغییر وضع موجود به روش اصلاح طلبانه باقی می مانیم." و این "مصمم" بودن خود را هم از طریق "انتقاد قانونی" از نوشتن نامه های انتقادی تا طومار، از برپایی تحصن و آستراکسیون تا استعفا نشان خواهیم داد. اما عجالتا آنچه که لازم است فراخواندن مردم به شرکت در شوی انتخاباتی ست و "جبهه مشارکت ایران اسلامی" تمامی امکانات و سرمایه خود را جهت رفع موانع مشارکت مردم در انتخابات به کار خواهد گرفت.

جبهه مشارکت، پس از آن که در مرثیه خوانی خود، پند و اندرزهای خود را خطاب به "مدیریت کلان" به پایان می رساند و در برابر جناح رقیب دست های خود را بالا می آورد، در پایان مردم را مورد خطاب قرار می دهد و می گوید فکر سرنگونی و برانداختن را از سرتان بیرون کنید، چون هیچ معلوم نیست، وضع تان بهتر از این شود، که اکنون هست. به سلطنت طلبان، جمهوری خواهان، ملی - مذهبی های خواهان فراندوم بر سر قانون اساسی اشاره می کند و به زبان خودش به مردم می گوید که ما و این ها نیز از یک سرشتیم، منتها کمی با هم اختلاف عقیده داریم. ما می خواهیم کارهایی از درون رژیم بکنیم و آنها از بیرون. بنابر این خودتان را به زحمت نیاندازید که هیچ معلوم نیست با رفتن جمهور اسلامی

تجهیزات رفتار کند معترضند و هشدار می دهند، اهمیت مسئله فقط در این هم نیست که کارگران پتروشیمی علیه بیکار سازی ها، علیه زورگویی ها و برای ضمانت شغلی خود به پا خاسته و مبارزات متحدانه ای را هم در سطح واحد خود وهم در هماهنگی با سایر واحدهای پتروشیمی سازمان داده اند. گرچه این ها همه در جای خود بسیار مهم اند و گرچه اعتصابات کارگران پترو شیمی تا همین جا هم دولت را به عقب نشینی هایی واداشته است، اما مسئله بسیار مهم دیگری که در لحظه کنونی مطرح است این است که آیا این اعتصابات و اعتراضات از جانب سایر کارگران و در وهله نخست از جانب کارگران

وضع تان بهتر از امروز باشد. اما یک رقم ظاهرا ناچیز از نظر مشارکتی ها، در محاسباتشان جا افتاده است، و آن طبقه - ایست که روزمره قدرتش را در تمام طول و عرض کشوری به نام ایران با مبارزاتش نشان می دهد که نه سلطنت طلب است و نه جمهوری خواه، نه ملی مذهبی ست و نه طرفدار جمهوری اسلامی. طبقه کارگر ایران که مخالف تمام نظم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران است، تنها طبقه - ایست که پیگرانه برای برانداختن تمام نظم موجود به مبارزه ادامه می دهد. طبقه کارگر از این قدرت و توانایی برخوردار است که تمام توده های ستم دیده و زجر کشیده مردم ایران را پشت سر خود بسیج کند و جمهوری اسلامی را با تمام قدرت نظامی و سرکوباش درهم بکوبد. اگر امروز مخالفت و مبارزه ای جدی هم در ایران وجود دارد که مایه نگرانی هر دو جناح رژیم و تمام گروهها و احزاب بورژوازی ست، مبارزه همین توده های کارگر و زحمتکش است که به پا خاسته اند تا ارتجاع حاکم بر ایران را براندازند و با دست های خود مطالباتشان را عملی سازند. در این مسیری که اوضاع سیاسی سیر می کند، دیگر جایی برای مشارکتی ها و همفکرانشان در درون و بیرون حکومت نیست. اینان حرفی که داشتند زدن و کاری که می توانستند کردند و حالا کاری که می توانند بکنند این است مادام که رژیم جمهوری اسلامی هنوز بر سر کار است، در کنگره های سالانه شان مرثیه سرائی کنند، مجلس یادبود دوزخداد تشکیل دهند و برای تسلی خاطر خود از ظرفیت اصلاحات قانون اساسی و رژیم جمهوری اسلامی سخن بگویند.

اکنون اما زمان آن فرا رسیده است که کارگران و زحمتکشان ایران، با انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی، اصلاحات را به شیوه خاص خودشان عملی کنند و نشان دهند که اصلاحات در ایران زائیده انقلاب است.

دیگر بخش های صنعت نفت مورد حمایت و پشتیبانی قرار خواهد گرفت؟ آیا آنان نیز به این اعتصابات و اعتراضات خواهند پیوست؟ و آیا جرعه های پتروشیمی، حریقی را در نفت شعله ور خواهد ساخت و به اعتصاب سراسری صنعت نفت گذار خواهد کرد؟ هر کارگر آگاهی این را می داند که مبارزه با خصوصی سازی و سایر سیاست های ضد کارگری رژیم زمانی نتیجه بخش تر خواهد بود و افق های جدیدی را فراروی طبقه کارگر خواهد گشود، که این مبارزات و اعتصابات از سطح کنونی فراتر رفته و به چنین مرحله ای گذر کند.



## مجلس مرثیه خوانی (جبهه مشارکت ایران اسلامی)

درحالی که مبارزات توده‌های مردم ایران به اشکال مختلف علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ادامه دارد و رژیم نیز به روال گذشته به سرکوب مردم ادامه می‌دهد، جناح مسلط هیئت حاکمه برتلاش خود برای غلبه بربحران درونی حکومت و مهارتضادها در بالا افزوده است، تا شاید بدین طریق بتواند موج عظیم ناراضیتی، اعتراض و مبارزه مردم را مهار کند.

اینان از آنجایی که همه چیز را وارونه می بینند، دراین پندار به سر می برند که تضاد و بحران دربالاست که به تضادها و بحران‌ها در پائین شکل داده است و نه بالعکس. بنا براین تصورشان این است که اگر مطلقا همه چیز دربالا در دست یک جناح باشد، دیگر نه فقط تضاد و بحرانی دربالا وجود نخواهد داشت، بلکه درپائین نیزازآن خبری نخواهد بود و مردم، مطیع فرمانروایان خواهند شد. بنابراین از هم اکنون آستین‌ها را بالا زده اند، تا تتمه ارگان‌ها و نهادهایی را که در دست جناح رقیب باقی مانده است، باز پس بگیرند. جناح رقیب نیز ناتوان تر از آن است که توان ایستادگی داشته باشد و از هم‌اکنون دست‌های خود را به علامت تسلیم بالا برده است. کنگره اخیر جبهه مشارکت ایران اسلامی که اصلی‌ترین تشکل این جناح است، به وضوح این واقعیت را نشان داد که اینان دیگر حتما رمق حرف زدن و وعده دادن هم ندارند. آخر پس از گذشت هفت سال از آن وعده‌های پر طمطراق چه بگویند. مردم دیگر نیازی ندارند که به آنها گفته شود، آب از آب تکان نخورد. منطق آهین مبارزه طبقاتی به همگان نشان داد که ادعای اصلاحات در رژیم جمهوری اسلامی جز یک فریب چیزی‌دیگر نبود. راه دیگری هم نیست، یا باید تحت اسارت و سرکوب استبداد جمهوری اسلامی بود و یا با انقلاب آن را برانداخت. آیا مشارکتی‌ها می توانستند این حقیقت را برزبان آورند؟ بدیهیست که نه. می توانستند بگویند که وعده هایشان تحقق یافته است؟ این کار را هم نمی توانستند بکنند. پس کار دیگری برای آنها باقی نمانده بود، جز این که کنگره شان را به مجلس مرثیه خوانی تبدیل کنند. گریه و زاری سردهند که نتوانستند روند اضمحلال و فروپاشی رژیم ارتجاع اسلامی را سد کنند

و باردیگر جناح رقیب خود را نصیحت کنند و پند و اندرز دهند.

آنها افسوس خوردند برای این که "هیجان و امیدواری" کاذبی که درپی انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری پدید آمده بود فروکش کرده است و گفتند "متاسفانه امواج این امید به میزان زیادی فروکش کرده است و بروز یاس و سرخوردگی در میان مردم، مشخصه بارز جامعه سیاسی ایران در شرایط کنونی شده است."

جای بسی امیدواری ست که حتا از زبان مرتجعین مشارکتی هم شنیده شود که حتا عقب مانده‌ترین و ناآگاه‌ترین مردم هم این را فهمیدند که نباید به اصلاح و بهبود وضعیت خود در چارچوب نظم موجود امیدوار باشند. ارتجاع اسلامی باید هم با تاسف از این آگاهی توده مردم یاد کند و مخالفین نظم موجود باید از این آگاهی توده مردم استقبال کنند.

اما چرا کاربه اینجا کشید و "انسداد" پیش آمد. پاسخ مشارکتی‌ها خیلی سراسر است و ساده است. "با وجود شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت، عملا حق و امکان قانون-گذاری اکثریت نمایندگان مردم درمجلس تا حدود زیادی منتفی شده است." نتیجتا دو درس اخلاقی، اولاً- مادام که شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت، وجود دارند، حق مردم و نمایندگانشان از آنها سلب شده است. ثانیاً- معضل، کل نظام سیاسی حاکم بر ایران نیست. چراکه آنقدر ظرفیت توسعه دموکراسی و آزادی‌های سیاسی در این نظام وجود دارد که پایان ناپذیر است و تا همین جا هم به قدر کافی آزادی و دموکراسی در ایران وجود دارد که رژیم جمهوری اسلامی را از هر رژیم مستبدی متمایز می‌سازد. پس از این قرار درایران نه‌اختناق و دیکتاتوری عریان حاکم است و نه استبداد و بی‌حقوقی مردم. جبهه مشارکت سوگند یاد می کند که دقیقا چنین است و می‌گوید اگر خدای ناکرده روزی "اصلاحات" با شکست روبرو شود، آنگاه "نتیجه قطعی مرگ اصلاحات درایران یا استبداد داخلی و یا سرسپردگی به بیگانگان است." چیزی که اکنون پیش آمده فقط یک "انسداد" است و راه و چاره آن هم این است که با "عملکرد مدیریت کلان کشور

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

**آلمان**  
K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**اتریش**  
Kar  
Postfach 260  
1071 , Wien  
Austria

**دانمارک**  
I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M . A . M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A . A . A  
MBE 265  
23 , Rue L ecourbe  
75015 Paris  
France

**کانادا**  
K.Z  
P.O.BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7  
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

### شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

صفحه ۷

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiyan - minority.org

**KAR**

Organization Of Fedaiyan (Minority)

No. 417 nov 2003

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی